

چارچوب نظریه پیشرفت و تکامل از منظر استاد مطهری^۱

* حمید پارسانیا

** اکبر دواویی

چکیده

با گذشت نزدیک به ۴۰ سال از انقلاب اسلامی، کشور ایران نیازمند الگویی بومی و اسلامی برای پیشرفت است؛ الگویی که متناسب با مبانی شکل‌گیری انقلاب و در راستای اهداف ترسیمی رهبران الهی آن باشد.

برای ترسیم الگوی پیشرفت، اولین گام مفهوم‌پردازی است و هدف آن رسیدن به چارچوبی نظری برای یافتن حدود پیشرفت است. فواید دیگر آن، امکان تشخیص پیشرفت واقعی از پیشرفت مجازی و توان تشخیص پیشرفت صحیح از غیر آن است.

در این تحقیق به بررسی مفهوم، مبانی و انواع تکامل جامعه انسانی از منظر استاد مطهری پرداخته شده است و در نهایت به چارچوبی نظری برای تعیین حدود پیشرفت منتهی گردیده است. در این چارچوب، انواع پیشرفت در چهار عرصه: فرهنگی، تمدنی، روحی، و جسمی، به شکل نموداری تصویر شده است؛ البته در ادامه، با ترسیم روابط میان این چهار عرصه و وزن‌دهی به این روابط بر اساس تقدم و تأخر و میزان اهمیت هر یک از آنها، می‌توان این چارچوب را تکمیل و از آن در الگوپردازی پیشرفت در حوزه‌های مختلف اجتماعی بهره جست.

کلیدواژه‌ها

نظریه پیشرفت، تکامل حقیقی، تکامل مجازی، تکامل فردی، تکامل اجتماعی.

۱. برگرفته از قسمتی از رساله مقطع دکتری در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش مبانی نظری اسلام با عنوان «مبانی نظریه اسلامی پیشرفت از دیدگاه استاد مطهری» می‌باشد.

* مدرس سطوح عالی فلسفه در حوزه و دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران h.parsania@gmail.com
** دانشجوی دکتری مدرسی الهیات و معارف اسلامی، مبانی نظری اسلام (نویسنده مسئول) akdavaei@gmail.com

مقدمه

نظریه‌های توسعه به لحاظ علمی از مناقشه برانگیزترین نظریه‌های اجتماعی و به لحاظ کارکردی از تأثیرگذارترین نظریه‌ها در حیات ملت‌ها در نیمه دوم قرن بیستم بوده است؛ به گونه‌ای که آثار و تبعات متفاوتی در جوامع مختلف از خود بر جای گذارده است. البته برخلاف تلقی رایج، نظریه‌های توسعه و پیشرفت، فاقد الگوی واحد است لیکن می‌توان به طور کلی آنها را در سه دسته تقسیم کرد: الگوهای توسعه لیبرالیستی، ضد توسعه مارکسیستی و پساتوسعه جدید که حاکی از دوران گذار از توسعه است. اما قدر مسلم آنکه در آستانه قرن بیست و یکم، هیمنه الگوهای جهانی توسعه فروریخته و هر چند نسخه‌های تجویزی برای کشورهای به اصطلاح عقب مانده، منجر به پیشرفت‌هایی اندک و ظاهری در برخی از آنها شده، لیکن در مجموع، شکست این الگوها بیشتر نمود یافت. به موازات شکل‌گیری جنبش‌های پسامدرن در مغرب زمین، جنبشی دینی در کشور ایران شکل گرفت که در نهایت، منجر به پدید آمدن انقلاب اجتماعی متفاوتی گردید که علاوه بر چالش‌های عملی برای غرب، مدعی چالش‌های نظری اسلام و مدرنیسم و نمود اصلی آن یعنی توسعه بوده است؛ البته نظام اسلامی نوپا به دلیل نبود الگویی عملیاتی برای توسعه بومی، به ناچار، مجبور به ادامه مسیر توسعه گذشته با اصطلاحاتی روبنایی بوده است لیکن در دوران بلوغ خود نیازمند ارائه الگوهایی بومی (ملی-دینی) متناسب با مقتضیات زیست‌بوم فرهنگی خود است و حتی فراتر از آن به دنبال ارائه چارچوبی عام است که از طریق آن سایر ملت‌ها بتوانند در برابر الگوهای مرکز محور غرب گرا، به تدوین الگوی بومی مناسب پردازند.

از نظریه پردازان الگوی بومی، استاد مرتضی مطهری را می‌توان نام برد که با دغدغه کارآمدی اسلام به عرصه‌های نوین امروزی، ورود یافته و از جمله مباحثی که ایشان بررسی و تا حدی ارائه کردند؛ طراحی چارچوبی نظری برای تکامل اجتماعی با رویکردی اسلامی بود که یارای رقابت با الگوهای جهانی را دارا باشد و در این مسیر گام‌هایی را - هر چند اندک ولی متقن - نیز برداشت. در این مقاله سعی بر آن است تا حاصل تلاش‌های استاد، استخراج و در قالبی جدید ارائه گردد.

۱- بیان مسأله

نظریه پردازی در هر موضوعی، نیازمند شناخت چارچوب مفهومی آن شامل گستره مفهومی موضوع و تبیین مبنای آن است. نظریه پردازی در باب پیشرفت و توسعه نیز چنین است و عدم رعایت این فرآیند، می تواند ما را دچار خطا در بررسی قوانین پیشرفت و مشابه سازی های بی مورد تکامل اجتماعی با امور دیگر از قبیل تکامل طبیعی کند؛ چنان که استاد مطهری می نویسد: «تفکیک نکردن این دو [تکامل اجتماعی و طبیعی] از یکدیگر سبب اشتباهات بزرگ می شود» (مطهری، ۱۳۷۷ ج: ۷۹۵ و همان، ۱۳۸۴ ب: ۵۲۴). به عبارت دیگر، زمانی می توان پیشرفت و تکامل را در قالب یک نظریه اسلامی ارائه کرد که پیش از آن بتوان چارچوب نظری مناسبی برای آن تدارک دید.

بنابراین سوال اصلی این پژوهش عبارت از این است که: آیا می توان چارچوبی برای پیشرفت و تکامل انسانی اجتماعی از منظر اسلام و بر مبنای آراء استاد مطهری ترسیم نمود؟ پژوهش حاضر با هدف دستیابی به چنین چارچوبی برای پیشرفت و تکامل اجتماعی انجام شده است و در پی آن است که با بررسی مفهومی و وجودی تکامل و مهم ترین تقسیمات آن، به عرصه های تکامل در انسان و جامعه به ویژه عرصه های کلان تکامل اختیاری- انسانی دست یافته، در نهایت در چارچوبی نظری ابعاد، عرصه ها و انواع تکامل انسانی و به تبع آن گستره موضوعی پیشرفت اجتماعی اعم از ابعاد طبیعی و انسانی، فردی و جمعی و سطوح معنوی و مادی آن را مشخص کند.

با توجه به بررسی صورت گرفته، پیش از این، اثری که به طور مستقیم به موضوع طراحی چارچوب پیشرفت از دیدگاه استاد مطهری (با گستره و عمق مورد نظر در این مقاله) پرداخته باشد، یافت نگردید. از میان آثار پژوهشی مرتبط با دیدگاه استاد مطهری که پیش از این نگارش یافته، تنها دو مقاله و دو پایان نامه با حیطه موضوعی این مقاله دارای قرابت می باشد. این آثار پژوهشی عبارتند از: مقاله «مبانی دین و توسعه در اندیشه مطهری» (اصغری، ۱۳۸۵: ۱۴۳-۱۷۹)، مقاله «دگرگونی اجتماعی در اندیشه آیت الله مطهری» (لک زایی، ۱۳۸۱: ۱۸-۲۰) و پایان نامه های بررسی مقایسه ای توسعه از دیدگاه اسلام گرایان ایرانی استاد مطهری و شریعتی» (شالیکار، ۱۳۸۵) و تغییرات اجتماعی در دیدگاه دو تن از متفکران مسلمان در ۱۰۰ ساله اخیر؛ استاد مطهری و علامه طباطبایی (سمیعی ظفرقندی، ۱۳۷۰).

نویسندگان چهار اثر پژوهشی فوق‌الذکر، به‌رغم تلاش برای تبیین دیدگاه استاد در باب توسعه و دگرگونی اجتماعی، به ارائه چارچوب نظری واحد برای تکامل و پیشرفت اسلامی نپرداخته‌اند؛ چنان‌که داعیه آن را نیز نداشته‌اند.

۲- مفاهیم اساسی

الف- چارچوب مفهومی

نظریه‌پردازی در باب هر موضوعی، نیازمند شناخت گستره مفهومی آن موضوع و عمق و مبنای آن است، مانند ساختمانی که در ابتدای کار، نیازمند چارچوب و اسکلت‌بندی متعادل و پایه محکم است. چارچوب نظری، به‌منظور حفظ وحدت ساختاری موضوع طراحی می‌شود. در این چارچوب باید از شناخت مفهومی و مبنایی موضوع آغاز کرد و به ابعاد و وجوه موضوع و روابط میان آنها دست یافت تا بتوان چارچوب نظری صحیحی برای آن ترسیم نمود.

ب- تکامل و پیشرفت

از نظر متفکران اسلامی و از جمله استاد مطهری، درک تکامل، مانند استعداد تکامل فطری است (مطهری، ۱۳۷۷ج: ۷۹۲؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۳۲۴؛ خمینی، ۱۳۷۸: ۴۳۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۴۵۵). آدمی در نهاد خود، کمال را می‌یابد. این آگاهی، فطری و حضوری و از نظر مفهومی، بدیهی است و به همین دلیل، قطعاً مایل است رمز تکامل را دریابد و راهی را که خواه‌ناخواه می‌رود، قبلاً بشناسد و حقیقت سیر خویش و موجودات را بشناسد (مطهری، ۱۳۸۹: ۳۲۴) لیکن این دریافت فطری و مفهوم بدیهی اجمالی تکامل برای حرکت در مسیر تکامل، کافی نیست و از نظر استاد، همین که بخواهیم تعریف دقیقی از این مفهوم به دست دهیم، دچار دشواری‌ها می‌شویم؛ می‌بینیم تعریف دقیق آن چندان ساده نیست (همان: ۳۹۷-۳۹۸؛ همو، ۱۳۹۰ الف: ۵۱۱) علاوه بر اینکه انسان در رابطه با تکامل، دارای سه نوع محدودیت است: فطرت او، تنها واجد علم اجمالی است؛ علم تفصیلی او، حصولی و خطاپذیر است و امکان خطا در تشخیص مصادیق تکامل وجود دارد. بر همین اساس، می‌توان گفت به یکی از سه دلیل ذیل، دچار انحراف از مسیر کمال می‌گردد: غفلت در درک اجمالی و فطری؛

جهل در درك حصولی تفصیلی؛ خطا در تشخیص مصادیق. بر این اساس، باید مفهوم تکامل را درك کرد. از نظر استاد «تکامل یعنی کمال یافتن تدریجی» (همو، ۱۳۸۹: ۴۰۰) و به عبارت دیگر، «تکامل، مفهومی است که از تشکک مفهوم کمال سرچشمه می گیرد که ما به اشتراک، عین ما به الامتیاز است» (همان: ۳۷۷). بنابراین «اگر بخواهیم تکامل را دقیقاً تعریف کنیم، اول باید «کمال» را تعریف کنیم» (همان: ۴۰۰). البته برخی منکر کمال هستند و تکامل را بدون کمال دنبال می کنند (همو، ۱۳۷۷: ج: ۶۵۷ پ ۲). بنابراین، ابتدا باید معنای کمال و واژه نزدیک به آن (تمام) و نقطه مقابل این دو (نقص) را شناخت (همو، ۱۳۷۹: ج: ۲۸۷).

استاد مطهری، از نظر لغوی «تمام» را وصفی، دال بر اجزاء یک شیء و «کمال» را وصفی، دال بر مراتب آن شیء می داند (همو، ۱۳۸۴: ب: ۲۱۴-۲۱۵). برای فهم دو واژه «کمال و تمام»، می توان از کلمه «نقص و نقصان» که حاکی از عدم کمال و تمام است (همو، ۱۳۷۱: ۷۷۰-۷۷۱ و ۱۳۸۹: ۴۰۰) استفاده کرد:

نقص در مقابل تمام، عبارت است از: «فاقد بودن یک شیء بعضی از اجزاء خود را» (همو، ۱۳۷۱: ۷۷۰-۷۷۱؛ همان، ۱۳۹۰ الف: ۵۱۲ و همو، ۱۳۸۹: ۳۷۷) به معنی این است که «یک شیء دارای اجزای گوناگون، واجد همه اجزاء و اعضاء خود نیست» (همان: ۴۰۰) و در مقابل، «وقتی که آخرین جزئش هم آمد، می گوییم: تمام شد» (همو، ۱۳۷۸: ۷۵۵) استاد برای نمونه - در مورد انسان - می نویسد: «یک نوزاد، اگر فاقد عضوی باشد، ناقص الخلقه است ولی اگر همه اعضایش بی عیب و سالم باشد، تام الخلقه است» (همو، ۱۳۸۹: ۴۰۰).

و اما درباره نقص در مقابل کمال؛ استاد با بیان اینکه «تکامل یعنی تحول از نقص به کمال» (همو، ۱۳۷۱: ۷۷۰) به این مفهوم از نقص پرداخته، می نویسد: «نقص در مقابل کمال...، به این معنی است که یک شیء، همه مراحل را که باید طی کند، طی نکرده باشد و همه امکاناتی که طبیعت برای او تهیه دیده است [را] تحصیل نکرده باشد (همان: ۷۷۰-۷۷۱)؛ یعنی «آنچه در مرتبه پایین تر است و به مرتبه عالی تر، بالا نرفته است» (همو، ۱۳۸۹: ۴۰۰) به عبارت دقیق تر، «نقص در مقابل کمال به اعتبار مراتب و درجات است نه اجزا و ابعاض» (همان: ۳۷۷) برای نمونه - در مورد انسان - می نویسد: «مثلاً یک جنین در رحم مادر به حد تمام می رسد... [ولی] آن رشدی را که باید بکند، نکرده است. رشد کردن غیر از این است که جزء ناقصی داشته باشد» (همو، ۱۳۷۸: ۷۵۵).

در یک جمع‌بندی، می‌توان وصف کمال را مربوط به وجود و هویت (وصفی برای فعلیت استعداد شیء) و مراتب شیء (در مقابل نقص در مراتب) دانست؛ وصفی که مشکک، نسبی و ملازم زمان و حرکت است؛ برخلاف وصف تمام که مربوط به اجزاء شیء (در مقابل نقص در اجزاء)، مربوط به ماهیت (وصفی برای تحقق همه ذاتیات شیء) و بدون تشکیک و نسبییت و ملازمت با زمان و حرکت است. قابل ذکر است که نقص از مقوله عدم ملکه است نه عدم مطلق و نسبت دادن عدم در این صورت، نیازمند شأنیت و قابلیت ملکه در عدم است. چنان‌که علامه حلی می‌نویسد: «والعدم، انعدام تلک الملکه و... عدمه فی وقت امکانه و تهیؤ الموضوع له» (حلی، ۱۳۶۳: ۳۴).

۳- مبنا و ویژگی‌های تکامل و پیشرفت انسانی

مسیر تکامل انسانی علاوه بر مدار و چارچوب خاص انسانی، دارای مراحل از نقص به کمال و واجد تدریج و دوام است. علامه طباطبایی در مورد تکامل انسان می‌نویسد: «وجود انسان، وجودی است متحول، که در مسیر خود از نقطه نقص به سوی کمال می‌رود و دائماً و تدریجاً در تغییر و تحول است و خلاصه، راه تکامل را مرحله به مرحله طی می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۷۲).

الف) انواع موجودات از نظر کمال و جایگاه انسان در هستی

استاد مطهری در مقام تبیین نظر فوق، تکامل را مربوط به شیء تام‌الوجود تدریجی‌الحصول دانسته (مطهری، ۱۳۷۱: ۷۷۰) و می‌نویسد: «نقص در مقابل کمال... به اعتبار امکاناتی است که شیء تام‌الوجود در پله‌های وجود خود که در حال بالقوه است، طی کرده یا نکرده باشد» (همو، ۱۳۸۹: ۳۷۷) به عبارت دیگر، جایگاه این شیء تدریجی‌الحصول، بدو در رتبه آخر موجودات است که به سبب فعلیت یافتن، می‌تواند پله‌های وجود را طی کند. برای شناخت این جایگاه، استاد به طبقه‌بندی رباعی موجودات از شیخ‌الرئیس اشاره می‌کند^۱ که ملاک طبقه‌بندی در آن، از جهت مراتب نقص و کمال (تمام) موجودات

۱. این تقسیم برخلاف مباحث مفهوم‌شناسی ذکر شده است و در آن مفاهیم کمال و تمام مرادف گرفته شده است.

است.^۱ این چهار قسم به شرح ذیل است: (همو، ۱۳۷۲ ج: ۲۵۷-۲۵۸؛ همو، ۱۳۷۹ الف: ۲۴۰-۲۴۲ و همو، ۱۳۷۶: ۳۷۷-۳۸۸).

جدول ۱- انواع موجودات از نظر کمال

موجود کامل	بالذات	موجود فوق تمام- واجب الوجود بالذات	به سایر موجودات افزایه وجود و کمال می کند
	بالغیر	موجود تام- عقول مجرد	به نهایت تکامل خود رسیده اند
موجود	تکامل با علل درونی	موجود مکتفی بذاته- نفوس فلکی	اخذ کمال از عالم عقول در باطن خود
استکمالی	تکامل با علل بیرونی	موجود ناقص - عالم طبیعت	دنیای علل و اسباب مادی (علل معده)

عموم انسان‌ها در این طبقه بندی، جزو موجودات ناقص هستند که به مدد عوامل بیرونی کامل می‌شوند (همو، ۱۳۷۹ الف: ۲۴۰) برخلاف انسان‌های کامل که در زمره موجودات مکتفی بذاته قرار گرفته‌اند (همو، ۱۳۷۲ ج: ۲۵۸).

ب) رابطه تکامل با حرکت

هر تکاملی از آنجا که مستلزم طی مسیر و مراحل و مراتبی است؛ پس توأم با حرکت است. استاد می‌نویسد: «کمال در مراحل است و لهذا توأم با مفهوم زمان و حرکت است» (همو، ۱۳۸۹: ۳۷۷) لیکن به لحاظ منطقی چه نسبتی میان حرکت و تکامل برقرار است؟ تساوی، عموم و خصوص مطلق یا من وجه؟

از منظر فلسفی، دو نوع اصطلاح برای تکامل داریم که نباید با هم خلط شود؛ در یک اصطلاح، تکامل مساوی با حرکت است و در دیگری، تکامل، اخص از حرکت است؛ یعنی هر حرکتی، مستلزم تکامل نیست با آنکه هر تکاملی، مستلزم حرکت است. به دلیل

۱. ابن سینا، الهیات شفا، فصل سوم از مقاله چهارم به نقل از مطهری، مرتضی، دروس الهیات شفا، مقدمه فصل ۳ از مقاله چهارم و فصل ۶ از مقاله هشتم.

اهمیت فوق‌العاده این دو اصطلاح و عدم خلط آنها با هم، به توضیح آنها از منظر استاد اشاره می‌شود:

تکامل نوع اول: نظریه تساوی حرکت و تکامل

تکامل نوع اول = ملازمت کمال با حرکت (تکامل به معنای پیشرفت و فعلیت‌یابی هر استعداد در مقابل ایستایی)

«ضرورت تکاملی بودن هر نوع حرکت» را استاد مطهری تبیین کرده و علامه طباطبایی نیز بر آن صحه گذارده است (همان: ۳۱۹). استاد مطهری، در تبیین نظریه تساوی حرکت و تکامل، حرکت را به معنی تبدیل قوه و استعداد به فعلیت دانسته؛ بر مبنای اصالت وجود و با مقایسه میان قوه و فعل در یک شیء متحرک، می‌نویسد: «حرکت که خروج از قوه به فعلیت است، قهراً خروج از نقص به کمال و خروج از ضعف به شدت است. پس به این معنا، هر حرکتی ملازم با تکامل است» (همو، ۱۳۸۴ الف: ۳۷۴). استاد، دو نمونه از موارد نقض کننده این قاعده را با عنوان «حرکات کاهنده عینی و وضعی» و «حرکات تنقصی از کمال به نقص» نقل کرده و به صورت «ترکیب حرکت نه کاهندگی آن» (همو، ۱۳۸۹: ۳۱۹) و «فعلیت محدود به زمان معین؛ نه حرکت تنقصی» (همو، ۱۳۸۴ الف: ۳۷۵) رد می‌کند. تکامل نوع اول، تکامل عمومی است که شامل همه موجودات زمان‌مند می‌شود.

تکامل نوع دوم: حرکت اعم از تکامل

تکامل نوع دوم = تکامل در مقابل انحطاط و تنزل و به معنای تبدیل فعلیت به فعلیتی برتر (ترقی و تعالی در فعلیت‌ها)

استاد، به اصطلاح دیگری از تکامل اشاره می‌کند که حاکی از عدم تساوی میان حرکت و تکامل است. برخلاف مبنای تکامل نوع اول که مقایسه میان قوه و فعل، موجب حکم به تساوی تکامل و حرکت گردید، مبنای اصطلاح دوم، مقایسه میان فعلیت قبلی و بعدی است که موجب عدم تساوی تکامل و حرکت می‌گردد. استاد می‌نویسد: وقتی فعلیت‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شود، اگر فعلیت بعدی نسبت به فعلیت قبلی، نوعی افزایش

داشته باشد، آن را تکامل می گویند نه اینکه نسبت میان قوه و فعلیت را در نظر بگیرند [که در هر صورت، هر فعلیتی نسبت به قوه اش، تکاملی است] (همان: ۳۷۴).

استاد، در تبیین تکامل نوع دوم می نویسد: در «تکامل» ما باید یک «مبدأ کمال»ی در نظر بگیریم و بعد مسیری از همان مبدأ در نظر بگیریم که شیء در همان مسیر در مرحله بعد، در سطح بالاتر قرار گرفته است. این را می گوئیم «تکامل» (همو، ۱۳۷۲ ب: ۵۳۴). بنابراین، از نظر استاد: «هر تغییری را ما نمی توانیم تکامل بدانیم، چون تنزل هم تغییر است. یک انسان در انسانیت خودش، ممکن است کامل تر بشود و ممکن است تغییرش در جهت عکس باشد، همان که ما می گوئیم «فساد اخلاق»» (مطهری، ۱۳۷۲ ب: ۵۳۳-۵۳۴). به طور کلی از نظر استاد، می توان گفت: «زمان، همان طوری که پیشروی و تکامل دارد، فساد و انحراف هم دارد. باید با پیشرفت زمان، پیشروی کرد و با فساد و انحراف زمان هم باید مبارزه کرد» (همو، ۱۳۷۹ ب: ۱۰۴).

ج- برخی ویژگی ها و الزامات کمال و تکامل

- با دقت در آثار استاد، برخی ویژگی های کمال و تکامل به ترتیب ذیل ارائه می گردد:
- برخی ویژگی های کمال عبارت است از: وصفی کیفی (مطهری، ۱۳۷۸: ۷۵۵ و مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۰: ۱۱۲ و همان، جلد ۱: ۳۹۵)، دارای وحدت و ثبات (مطهری، ۱۳۷۲ الف: ۲۳۸) ذومراتب (همو، ۱۳۸۴ الف: ۳۷۶-۳۷۸؛ همان، ۱۳۸۴ ب: ۲۱۵ و همو، ۱۳۸۹: ۴۰۰)؛ تشکیکی (همو، ۱۳۷۷ ب: ۱۸۰-۱۸۱ و ۱۸۹-۴۴۵ و ۴۴۶) و اشتدادی (همو، ۱۳۷۷ ج: ۵۷۳ پ ۱) و دارای ترقی و تعالی (همو، ۱۳۷۱: ۷۷۰ و همو، ۱۳۷۲ ج: ۲۵۹ و همو، ۱۳۸۹: ۳۷۷)؛
 - کمال ملازم با وجود تدریجی شیء و فعلیت یابی قوه و استعداد (همو، ۱۳۷۱: ۷۷۰) و با زمان (همو، ۱۳۸۹: ۳۲۱)؛
 - پیوند تکامل نوع اول با گذار از طبیعت برای موجود مادی (همو، ۱۳۷۸: ۱۰۶ و همو، ۱۳۷۷ ج: ۳۴)؛
 - پیوند تکامل نوع دوم با آگاهی فردی و اجتماعی و با نفخه الهی و فطرت انسانی (همو، ۱۳۸۴ ب: ۱۴۸ و ۲۱۶-۲۱۷)؛
 - در کمال، توجه به نهایت عمق دهی و در تمام، به گسترش مظاهر است؛ چنان که در

اکمال دین، به تکمیل عقاید و اخلاق (با ولایت) توجه شده و در اتمام دین به تمامیت احکام شرع (همو، ۱۳۷۲ج: ۲۵۹ و همو، ۱۳۸۴ب: ۲۱۵-۲۱۶).

۴- گستره مفهومی تکامل بر اساس عرصه‌ها و انواع آن

تکامل‌شناسی (مفهوم‌شناسی و هستی‌شناسی تکامل)، منتهی به بازشناسی عرصه‌ها و انواع تکامل می‌گردد؛ زیرا طبقه‌بندی تکامل یا از حیث مفهومی یا از حیث وجودی است. جدول ذیل، رابطه انواع تکامل را با مباحث تکامل‌شناسی ذکر شده، نشان می‌دهد:

جدول ۲- مهم‌ترین تقسیمات تکامل

مبنای تقسیم	طبقه‌بندی تکامل (انواع تکامل)
از نظر عوامل تکامل	تکامل مادی و نفسی (مکانیکی و دینامیکی) در موجودات استکمالی
از نظر تأثیر عوامل تکامل	تکامل طبیعی و انسانی (اجتماعی)
نوع تکامل	تکامل حقیقی و مجازی

بنابراین، به‌عنوان مکمل بحث قبل، شش نوع تکامل در قالب سه تقسیم، در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱- تقسیم تکامل به مکانیکی (مادی) و دینامیکی (نفسی)

تکامل را می‌توان بر اساس نوع عوامل دخیل در تکامل، طبقه‌بندی کرد. تکامل، بر این اساس، به دو قسم تکامل مادی یا مکانیکی (در موجود ناقص) و تکامل نفسی یا دینامیکی (در موجود مکنتفی بذاته) تقسیم کرد:

تکامل موجود ناقص

موجود ناقص، فاقد کمال است و در رسیدن به کمال، نیاز به علل بیرونی دارد؛ لذا به‌واسطه نیاز به علل بیرونی، تکاملش، مکانیکی و به‌واسطه وقوع در طبیعت و عالم ماده، تکاملش مادی است. مصداق این تکامل در موجودات، مادی است؛ البته تا زمانی که تبدیل به ماورای ماده نشده‌اند؛ زیرا هیچ مانعی نیست که یک موجود مادی در مراحل

ترقی و تکامل خود تبدیل شود به موجودی غیر مادی (همو، ۱۳۷۷ج: ۳۴). همچنین «هیچ مانعی نیست که یک موجود مادی در مراحل ترقی و تکامل خود تبدیل شود به موجودی غیر مادی» (همان: ۳۴).

تکامل موجود مکتفی بذاته

موجود مکتفی بذاته، فاقد کمال است ولی در رسیدن به کمال، علل درونی اش کفایت می کند؛ لذا به واسطه نیاز به علل درونی، تکاملش دینامیکی و به واسطه وقوع در درون و نفس موجود، تکاملش، نفسی است.

مصدق این تکامل، حرکت انسان به سوی کمال و استقلال انسانی است (همو، ۱۳۷۸: ۹۹) که در مورد انسانی صدق می کند که در مسیر خاص انسانیت و کمال حقیقی قرار دارد (مصدق بارز آن انبیاء و اولیاء هستند) و در غیر این صورت، انسان های عادی مانند دیگر موجودات مادی، حرکتش، مکانیکی و نیازمند عوامل بیرونی است (همو، ۱۳۷۷ج: ۷۹۶ و همان، ۱۳۷۲ج: ۲۵۸).

۲-۴- تقسیم تکامل به تکامل طبیعی (جبری) و انسانی (اختیاری)

تقسیم اول بر اساس «نوع عوامل تکامل بخش» بود، لیکن تقسیم دوم بر اساس «نوع تأثیر آن عوامل» بوده و لازمه تقسیم اول است؛ به این معنا که لازمه تکامل مکانیکی (مادی) موجود ناقص، تکاملی طبیعی و جبری است و لازمه تکامل دینامیکی (نفسی)، تکامل اختیاری است.

استاد، درباره این تقسیم می نویسد: «معنی تکامل طبیعی، روشن است؛ یعنی تکاملی که جریان طبیعت بدون دخالت و خواست خود انسان، به وجود آورده است ولی تکامل تاریخی یا تکامل اجتماعی... تکاملی است که انسان با دست خود آن را کسب کرده است و دوره به دوره هم، آن را از طریق تعلیم و تعلم - نه وراثت - منتقل کرده است» (مطهری، ۱۳۹۰الف: ۵۰۹) استاد، در مورد اهمیت این تقسیم می نویسد: «یک نکات دقیقی هست که انسان با حساب نکردن و تعمیم دادن یک قانونی از جایی به جایی، دچار هزارها اشتباه می شود. می بیند تکامل در طبیعت که هست، اینجا (در جامعه) هم که ما همیشه می گوییم:

تکامل، بعد فوراً می‌گوید: می‌خواهم تمام قوانینی را که در تکامل طبیعت هست، اینجا هم بیاورم» (همو، ۱۳۸۴:ب:۵۲۴).

در ادامه، توضیحی اجمالی در مورد دو قسم تکامل (تکامل طبیعت و تکامل اجتماعی انسان) مفید خواهد بود:

الف- تکامل طبیعی جبری که به دو دسته تکامل جبری طبیعت و تکامل زیستی انسان

به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

تکامل جبری طبیعت در مقابل نظریه پویایی هستی است که استاد آن را بر اساس حکمت الهی مردود دانسته و پویایی را مختص پویایی هستی مادی و طبیعی می‌داند (همو، ۱۳۷۷:ج:۷۸۹) و ضمن بیان برخی خصوصیات این عالم (شامل ماده، حرکت، تغییر و تبدل و تضاد و تراحم) می‌نویسد: «این خصوصیات، لازمه ذات «این عالم» است، نه لازمه ذات هستی» (همو، ۱۳۷۸:۱۳۷۸-۲۳۸-۲۳۹).

تکامل زیستی انسان نیز شامل بعد جسمانی انسان می‌گردد که مانند سایر موجودات طبیعت، مادی است. بنابراین، مشمول قوانین تکاملی طبیعت بوده و این روند را در چارچوب قوانین طبیعی به‌طور جبری همراه سایر موجودات مادی طی می‌کند (همو، ۱۳۹۰:الف:۵۰۹).

ب- تکامل اختیاری انسان

استاد مطهری، در مورد ویژگی تکاملی انسان در مقایسه با سایر موجودات مادی می‌نویسد: «هر موجودی، واجد طبیعت است مگر انسان که فاقد طبیعت است... [بلکه] دارای طبیعت‌های متضاد و مختلف است و راه خودش را از میان طبیعت‌های علوی و سفلی باید انتخاب کند. حیوانات دیگر، انتخاب به عهده آنان گذاشته نشده است» (همو، ۱۳۹۰:ب:۱۱۰-۱۱۲). استاد، در رابطه با سایر ویژگی‌های این تکامل نیز می‌نویسد: «این تکامل، تکامل اکتسابی است؛^۱ یعنی... انتقالش از نسلی به نسلی و از دوره‌ای به دوره‌ای و احیاناً از

۱. از نظر مارکسیسم این تکامل هم به نحوی طبیعی و جبری است.

منطقه‌ای به منطقه‌ای، به وسیله توارث نبوده و امکان هم نداشته است بلکه به وسیله تعلیم و تعلم و یاددادن و یادگرفتن و در درجه اول به وسیله فن نوشتن انجام شده است... جامعه بشر از بدو پیدایش، از زمانی که شروع به ایجاد تمدن کرده، رو به پیشرفت و رو به تکامل بوده است» (همو، ۱۳۹۰ الف: ۵۰۹-۵۱۰).

از نظر استاد، انسان دارای دو نوع تکامل اختیاری است: تکامل فردی و تکامل اجتماعی. استاد می‌نویسد: «انسان به مرحله عقل و اراده که رسیده... از همین مجرای آزادی و اختیار، برایش امکان نوع خاصی از تکامل هست که تکامل اجتماعی تاریخی است؛ همچنان که نوعی تکامل فردی اختیاری هم دارد» (همو، ۱۳۷۷ ج: ۶۱۲-۶۱۳).

۳-۴- تقسیم تکامل به حقیقی و مجازی و تقسیمات زیرمجموعه آن

از ابتدای مقاله تا این قسمت، آنچه در مفهوم و تقسیمات تکامل بیان گردید - جز مواردی از تکامل اختیاری انسان - در دایره تکامل حقیقی قرار می‌گیرد. در ادامه، مواردی مطرح می‌شود که در ظاهر شبیه تکامل است ولی با دقت و توجه به شاخص‌های تکامل، آن موارد حقیقتاً تکامل نبوده، بلکه شبه تکامل یا تکامل مجازی است. اینجاست که شناخت تکامل مجازی و تفکیک آن از تکامل حقیقی اهمیت زیادی می‌یابد. بنابراین، در ادامه، ابتدا مفهوم‌شناسی تکامل حقیقی و مجازی سپس انواع تکامل حقیقی و مجازی در زندگی انسان تشریح می‌گردد.

مفهوم و اقسام تکامل حقیقی و مجازی

استاد مطهری در مورد اهمیت تفکیک میان تکامل حقیقی و مجازی می‌نویسد: «تکامل در دو معنی و در دو مورد نزدیک به یکدیگر به کار می‌رود و تفکیک نکردن این دو از یکدیگر سبب اشتباهات بزرگ می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۷ ج: ۷۹۵).

بر اساس مباحث گذشته درباره مفهوم‌شناسی تکامل؛ معیار تکامل حقیقی آن است که شیء واحد از مرحله‌ای ناقص به مرحله‌ای کامل‌تر ارتقا یابد؛ خواه این تکامل، مکانیکی یا

دینامیکی، مادی یا نفسی و اختیاری یا جبری باشد. تکامل مجازی در مقابل تکامل حقیقی قرار دارد؛ یعنی یک شیء به معنای واقعی از نقص خود به کمال خود راه نیافته است. به عبارت دیگر، یک شیء را می‌توان از جهات مختلف با خود و با سایر اشیاء مقایسه کرد. تکامل حقیقی، دلالت بر مقایسه میان دو وضعیت نقص و کمال در شیء واحد دارد برخلاف تکامل مجازی که اصطلاحی برای بازشناسی سایر مقایسه‌ها تحت عنوان تکامل است.

جدول ۳- اقسام تکامل مجازی و مصادیق آن

مصادیق هر قسم تکامل مجازی	اقسام تکامل مجازی
امیدواری یک فرد به این که اینشتین شود	تکامل = تبدیل یک شیء به شیء دیگر از یک نوع
تبدیل یک عروسک به انسان (برخلاف شعر مولانا: از جمادی مردم و نامی شدم و ز نما مردم ز حیوان سر زدم)	تکامل = تبدیل یک شیء از نوعی به شیء دیگر از نوع دیگر (برخلاف تبدل نوعی شیء واحد از نوع اضافی به نوع اخیر= حرکت جوهری)
تبدیل ماشین مدل پائین به مدل بالاتر یا انقلاب در صنعت	تکامل = تبدیل یک وسیله ساخته انسان از مدلی به مدل بالاتر
تبدیل سبزی سیب به زردی یا سرخی	تکامل = تبدیل یک وصف شیء به وصف شیء کامل‌تر
از نظر علمی: حرکت از پایه اول به پایه دوم در یک دانش‌آموز	تکامل = تبدیل لازمه یک شیء به لازمه شیء کامل‌تر
از نظر فرهنگی: تبدیل یک سبک زندگی به سبک دیگر	

استاد، در تفکیک تکامل حقیقی و مجازی، نگاهی عمیق و فلسفی دارد. ایشان، تفکیک دقیق میان دو نوع تکامل را وظیفه فیلسوف می‌داند (مطهری، ۱۳۷۷ج: ۷۹۶) و در تحلیل فلسفی تکامل، تکامل را در حقیقت عبارت از: «حرکت درونی شیء متکامل» و «رسیدن آن از مرحله‌ای دانی به مرحله‌ای عالی» می‌داند. بر خلاف مفهوم اعتباری و

مجازی تکامل که به معنای «جانشینی کامل به جای ناقص» و «معدوم شدن ناقص» است (همان: ۷۹۵ و همو، ۱۳۷۲ الف: ۴۴۸).

استاد از نظر معرفت‌شناختی، تکامل حقیقی را «فلسفی-عقلی» و تکامل مجازی را «حسی و نسبی و اعتباری متناسب با غرض انسان» توصیف می‌کند (همو، ۱۳۸۹: ۳۲۰). از این منظر، حرکت جوهری، مصداق تکامل فلسفی عقلانی بیان می‌گردد: «از نظر فلسفی، تکامل از آن نظر است که در واقعیت جوهری این شیء، اشتدادی پیدا شده نه آنکه اجزاء موجودی تغییر شکل داده و با یکدیگر تألیف شده‌اند، بلکه از [این] نظر که وجود رو به کمال رفته است و این، خود به خود مستلزم نوشدن به معنای واقعی جهان و تازه شدن و حدوث و تجدد است» (همان).

انواع تکامل حقیقی و مجازی

استاد، بازشناسی انواع تکامل را دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌داند و می‌نویسد: «ما به خیلی از چیزها در عالم می‌گوییم، تکامل پیدا کرده؛ این کلمه را، هم در مورد تکامل‌های طبیعی و زیستی به کار می‌بریم. مثل تکاملی که در مورد نبات یا حیوان می‌گوییم و حتی تکاملی که در مورد رشد یک نبات بالخصوص می‌گوییم، و هم در مورد ساخته‌های انسان - اعم از ساخته‌های مادی یا معنوی انسان - به کار می‌بریم. مثلاً می‌گوییم: صنعت ماشین یا صنعت هواپیماسازی تکامل پیدا کرده، یا می‌گوییم: صنعت خانه‌سازی تکامل پیدا کرده [یا] در امور معنوی، مثل اینکه می‌گوییم: علم تکامل پیدا کرده، یا می‌گوییم قوانین تکامل پیدا کرده، آیا اینها به یک معناست؟ یعنی آن تکاملی که در آنجا هست و تکاملی که در اینجا هست، هر دو یک حقیقت است؟ یا نه، بعضی از اینها تکامل است حقیقتاً و بعضی از اینها تکامل است مجازاً نه حقیقتاً» (همو، ۱۳۸۴ ب: ۵۱۷).

از نظر استاد، تکامل حقیقی و مجازی بر اساس موضوع تکامل دو نوع است: تکاملی که موضوعش، طبیعت است و تکاملی که موضوعش، بُعد انسانی انسان است. با این تعبیر، بُعد جسمانی و طبیعی انسان هم شامل تکامل طبیعی می‌شود.

الف- تکامل حقیقی و مجازی طبیعت

تکامل حقیقی از طبیعت به ماورای آن

تکامل حقیقی طبیعت، در نهایت به ماوراء طبیعت ختم می‌شود. استاد، بر مبنای دو قاعده «حرکت جوهری» و «روحانیه‌البقا بودن طبیعت»، تحول طبیعت به ماورای طبیعت را از مصادیق تکامل حقیقی بر می‌شمارد: «طبیعت که حرکت جوهری دارد، در تکامل خودش متصل می‌شود به ماوراء طبیعت... شیء، به آنجا که رسید، دیگر بالارفتن ندارد» (همو، ۱۳۷۶: ۳۷۸)؛ چرا که «در اینجا، فناپی در کار نیست؛ زیرا اگر چه شیء حدوداً زمانی و مادی است ولی بقاءً، زمانی و مادی نیست» (همو، ۱۳۸۴ الف: ۳۷۵-۳۷۶).

تکامل حقیقی در طبیعت

استاد، با استناد به حرکت جوهری، رشد موجودات طبیعی و تغییراتی که طی آن رخ می‌دهد را تکامل حقیقی می‌داند. ایشان، تلقی‌های موجود را به‌ویژه درباره نظریه انباشتی (انباشته‌شدن مراحل نقص روی هم) ساده‌انگارانه می‌داند و خود نظریه استعدادی را مبتنی بر حرکت جوهری مطرح می‌کند (همان: ۳۷۶-۳۷۸).

استاد، این تکامل را به دو قسم فردی و نوعی تقسیم می‌کند (همو، ۱۳۷۷ ج: ۷۹۵-۷۹۶).

تکامل زیستی فردی

شامل تغییراتی است که در اثر حرکت جوهری در اعضا و جوارح انسان رخ می‌دهد (همو، ۱۳۸۹: ۳۹۸).

تکامل زیستی نوعی (تکامل انواع)

«بنابر دقیق‌ترین نظریات فلسفی، هر حرکت تکاملی، مساوی است با انتقال از نوعی به نوع دیگر» (همان). «کسانی که قائل به وحدت نوعی انسانند، می‌توانند این تکامل را حقیقی دانسته؛ زیرا در این تکامل، باید نسلی از نسل پیشین کامل‌تر بوده و زمینه کمال هر نسلی در نسل پیش فراهم شده باشد» (همان).

تکامل مجازی طبیعت (از جمله تکامل انواع داروین)

نظریه تکامل انواع داروین به‌رغم نظر خودش، جز تکامل مجازی، معنایی ندارد؛ زیرا مقایسه میان انواع مختلف است؛ نه دو مرتبه ناقص و کامل از یک شیء (همو، ۱۳۸۴ ب: ۲۰۰).

ب- تکامل انسان و جامعه انسانی

عدم تفکیک تکامل مجازی از حقیقی، انحراف بزرگی را در تلقی ما از تکامل و توسعه ایجاد می‌کند. استاد، در اهمیت این تفکیک می‌نویسد: «خلاصه، آن چیزی که به دقت فلسفی واقعاً از نقص به کمال می‌رود و وجودش متکامل می‌شود، انسان است. ابزار، وجود ناقصش، متبدل به کامل نمی‌شود، بلکه ناقص کنار می‌رود، کامل جای آن را می‌گیرد... تکامل اعتباری مربوط به ابزار است و انسان است که به ابزار، تکامل می‌بخشد و با تکامل حقیقی خودش، تکامل اعتباری به ابزار می‌دهد و نیز ما این مطلب را منکر نیستیم که ابزار و طبیعت به‌عنوان موضوع تجربه، در تکامل انسان دخیل است. وقتی که این دو تکامل را از هم جدا کنیم و نقش هر یک را در دیگری مشخص سازیم، خواهیم دید که در مسأله تکامل اجتماعی انسان در تاریخ، حساب چقدر فرق می‌کند» (همو، ۱۳۷۷ ج: ۷۹۶).

هر یک از تکامل حقیقی و مجازی در انسان دو نوع است؛ تکامل فردی و اجتماعی. در ادامه به هر یک از این انواع چهارگانه پرداخته شده است. علاوه بر آن، به تکامل جسمی انسان نیز پرداخته شده با آنکه این قسم از تکامل، ملحق به تکامل در طبیعت و انواع آن است.

ج- تکامل حقیقی و مجازی در عرصه فردی (در ابعاد جسمی و روحی)

تکامل فردی، شامل تکامل حقیقی - اعم از جسمی و روحی - و تکامل مجازی - اعم از تکامل داروینی و تغییرات سبک زندگی - می‌باشد. در ادامه به این، چهار نوع تکامل فردی از منظر استاد مطهری اشاره می‌شود:

تکامل حقیقی روحی (اکمال نفس)

استاد، بحث تکامل واقعی طبیعت به ماورای طبیعت را با مثال نفس انسانی در تبدیل از حدود جسمانی به بقای روحانی بیان می‌کند (همو، ۱۳۸۴ الف: ۳۷۵-۳۷۶). ایشان، در مقایسه با آراء دانشمندان غربی، جاودانگی انسان را از لوازم نظریه ملاصدرا می‌داند و می‌نویسد: «تکامل [و] جاودانگی در فرد را ما می‌توانیم بگوییم که قائل به حرکت جوهریه و قائل به روح و ... هستیم. ما می‌گوییم، ماده در حرکات خودش، از تغییر به ثبات، منتهی

می‌شود و بعد به جاودانگی می‌رسد و شخصیت را هم که ما به بدن و ماده نمی‌دانیم» (همو، ۱۳۷۷ ج: ۷۵۲).

رشد واقعی جسمانی در انسان

تکامل جسمانی انسان، تابع قواعد تکامل حقیقی در طبیعت است که در قسمت قبلی توضیح داده شد. استاد، با استناد به حرکت جوهری، رشد موجودات طبیعی و تغییراتی را که طی آن رخ می‌دهد، تکامل حقیقی می‌داند (همو، ۱۳۸۴ الف: ۳۷۶-۳۷۸).

تکامل مجازی داروینی

برخلاف نظریه داروین، از آنجا که سایر موجودات، قابلیت تبدیل به انسان را ندارند، نمی‌توان آنها را با انسان مقایسه نمود و یا در تبدیل انواع، انسان را ناشی از حیوان یا کامل شده حیوان دانست (همو، ۱۳۷۹ الف: ۲۳۹). بنابراین مقایسه تکامل طبیعی میان انسان و سایر موجودات مادی، مجازی می‌باشد و وصف متکامل برای بعد مادی و جسمانی انسان در قیاس با سایر موجودات مادی نیز از باب مجاز است.

تکامل مجازی در تغییرات سبک زندگی (انطباق با مقتضیات زمانی مکانی)

گاه به صورت ناصحیح تغییراتی که در مظاهر زندگی مادی افراد داده می‌شود را حمل بر تکامل و پیشرفتگی آن فرد می‌کنند. این امر تا جایی پیش می‌رود که افراد برای پیشی گرفتن در مظاهر زندگی مادی و تبعیت از اقتضائات زمانه، اصول انسانی و عقل و اختیار را نیز زیر پا گذاشته، از تکامل واقعی خود منحرف می‌شوند و به یک موجود مقلد و مُدزده تبدیل می‌شوند.

استاد مطهری در نقد این رویکرد می‌نویسد: «پدیده‌های هر زمان دو قسم است: ممکن است ناشی از یک ترقی و پیشرفت باشد و ممکن است ناشی از یک انحراف باشد. در همه زمان‌ها، این دو امکان، برای بشر وجود دارد و به عبارت دیگر، هیچ چیزی را به دلیل نبودن نمی‌شود پذیرفت، کما اینکه هیچ چیزی را صرفاً به دلیل قدمت نه می‌شود پذیرفت و نه می‌شود رد کرد» (همو، ۱۳۸۱: ۱۳۹-۱۴۰). بر این اساس، نوعی تغییر در جریان زندگی ظاهری انسان وجود دارد که بر اساس آن، وسایل زندگی رو به تغییر است. در صورتی که

این تغییر برای رسیدن به اهداف انسانی و تکامل در انسانیت باشد، تکاملی مجازی و از نوع جایگزینی وسایل مناسب‌تر، تابع تکامل حقیقی انسان و یاور آن است ولی در صورتی که در خلاف این هدف باشد و جانشینی وسایل نامناسب‌تر باشد، دیگر تکامل مجازی هم نیست بلکه توهم تکامل بوده، یاور فرد در سیر انحطاطی وی می‌باشد. تذکر این نکته ضروری است که تکامل مجازی در سبک زندگی فردی، حاصل تعامل فرد با جامعه و گاهی محصول تغییرات اجتماعی است. لذا تبیین آن در تکامل فردی، قدری با مسامحه صورت گرفت.

د- تکامل حقیقی و مجازی در جامعه انسانی (در ابعاد فرهنگی و تمدنی)

تکامل حقیقی جامعه، در ابعاد فرهنگی هویتی جامعه و تکامل مجازی جامعه، در شئون تمدنی جامعه رخ می‌دهد. زمانی تکامل حقیقی در جامعه رخ می‌دهد که جامعه دارای هویت، موجودیت و منشأیت اثر فراتر از افراد جامعه باشد. در این صورت، این تکامل واقعی خواهد بود و ارتقای جامعه از مرتبه ناقص به کامل، صحیح خواهد بود و اگر وحدت جامعه، اعتباری باشد، تکامل آن هم مجازی و به تبع، تکامل حقیقی افراد آن جامعه خواهد بود. در حقیقت، افراد تکامل می‌یابند و مجازاً تکامل افراد را به جامعه منسوب می‌نماییم.

تکامل حقیقی فرهنگ جامعه

در رابطه با تکامل حقیقی، استاد مطهری می‌نویسد: «اگر مسأله وحدت حقیقی داشتن جامعه، ثابت شود (و حتی آقای طباطبائی هم معتقدند از قرآن هم چنین مطلبی استفاده می‌شود) در این صورت، اصلاً تکامل اجتماعی انسان...، تکامل واقعی است» (همو، ۱۳۷۷ج: ۷۹۶). استاد، تکامل واقعی جامعه را تکامل فرهنگی و معنوی می‌داند و در تبیین آن می‌نویسد: «آیا تکامل فرهنگی و تکامل معنوی انسان یک تکامل واقعی و فلسفی است به تمام معنی دقت؟ واقعاً یک واحدی است که این واحد در تکاپوست و از نقص به کمال می‌رود؟ یا نه... این بستگی دارد به آن نظریه‌ای که ما قبلاً طرح کرده‌ایم که آیا وحدت جامعه، وحدت واقعی است؟ آیا این حقیقت است که جامعه دارای یک روح است و

انسان‌ها به منزله اندام و هیچ مجازی در این نیست؟ که ما خودمان تا حدی به این مطلب قائل هستیم. اگر این مطلب را در جای خودش قبول کردیم، تکامل فرهنگی جامعه یک تکامل واقعی است نه مجازی، و اگر آن نظریه دیگر را قبول کردیم که اصالت، مال فرد است و جامعه، امر اعتباری است (همان مسئله اصالت فرد و اصالت اجتماع)؛ بنابراین تکامل اجتماعی هم نظیر تکامل ابزاری است یعنی جانشین شدن کامل به جای ناقص است نه تبدیل شدن ناقص به کامل» (همو، ۱۳۸۴: ب: ۵۲۶). استاد، در جایی دیگر تکامل فرهنگی را به معنوی تعبیر کرده، آن را به دو قسمت تفکیک می‌کند؛ تکامل علمی و تکامل اخلاقی انسانی و استاد، تمدن کنونی غرب را در بعد اخلاقی انسانی، برخلاف سایر ابعاد پیشرفته آن، دچار عقب‌افتادگی می‌داند (همو، ۱۳۷۷: ج: ۷۷۹-۷۸۰).

تکامل مجازی در شئون تمدنی جامعه

برای درک بهتر دیدگاه استاد در رابطه با تکامل شئون تمدنی، ابتدا واژه توسعه که مشیر به این معنای تکامل است، مورد بررسی قرار می‌گیرد: «واژه توسعه که در سال ۱۷۵۲ برای اولین بار به کار برده شد... در دوره و فاصله بین ولف (۱۷۵۹) تا داروین (۱۸۵۹) توسعه از مفهوم دگرگونی به سوی شکلی مناسب از وجود، به مفهوم دگرگونی به سمت شکلی همیشه کامل متحول شد و با واژه «تکامل» همخوانی پیدا کرد» (موثقی، ۱۳۸۳: ۲۲۳-۲۵۲؛ به نقل از 8: Esteva, 1992) از میانه سده نوزدهم، دگرگونی‌های ناشی از انقلاب صنعتی، تأثیرات عمیقی بر حوزه نظریه‌پردازی علوم اجتماعی و به ویژه مفهوم توسعه گذاشت... [و] خوش‌بینی اندیشمندان علوم اجتماعی را به نظریه‌پردازی در باب مفاهیمی همچون ترقی، تکامل، تجدد و توسعه بیشتر کرد. برخی از آنان، مانند هنری مین (۱۸۲۲-۱۸۸۸)، امیل دورکهایم (۱۸۵۸-۱۹۱۷)، هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱)، مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، ماکس وبر (۱۸۶۲-۱۹۲۴) و فردیناند تونیس (۱۸۵۵-۱۹۳۶)، تحت تأثیر... [قرار گرفتند] (حداد عادل و همکاران، ۱۳۸۳، مدخل توسعه).

بنابراین نظریات، پیشرفت و توسعه بیش از آنکه از جنبه‌های انسانی الهام گرفته باشد، از انقلاب صنعتی و تغییرات صنعتی ناشی از آن الهام گرفته است؛ استاد می‌نویسد: «توسعه، غیر از تکامل است. یک شهر ممکن است توسعه یابد، خانه‌ها و خیابان‌هایش افزایش یابد

ولی تکامل نیابد، اما ممکن است توسعه نیابد ولی اجتماع انسان‌ها، نظام و رفاه و آسایش بیشتری یابد که در این صورت شهر (البته به معنی مدینه و اجتماع انسان‌ها) تکامل یافته است» (مطهری، ۱۳۸۹: ۳۷۷).

استاد مطهری، انواع تکامل مجازی را در عرصه پیشرفت‌های تمدنی به شرح ذیل تفکیک می‌کند:

- تکامل امور مادی مرتبط با انسان مانند تکامل در ابزار تولید (مطهری، ۱۳۷۲ الف: ۴۴۸؛ همو، ۱۳۷۷ ج: ۷۹۵؛ همو، ۱۳۸۴ ب: ۵۱۸-۵۲۰ و ۵۲۴-۵۲۵)؛
- تحول قوانین و نظامات اجتماعی (همو، ۱۳۷۷ ج: ۷۹۵ و همو، ۱۳۸۴ ب: ۵۲۴)؛
- تکامل فلسفه‌ها و قوانین علمی (همان: ۵۲۰-۵۲۱) شامل: تکامل عرضی فلسفه و همه علوم و تکامل طولی علوم تجربی (همو، ۱۳۷۱: ۱۶۸-۱۷۰)؛
- تکامل ادیان (همو، ۱۳۷۷ ج: ۷۹۵ و همان، ۱۳۸۴ ب: ۵۲۱)؛
- تکامل روابط اجتماعی (مکانیزم جامعه) (همان: ۵۲۱-۵۲۲).

رابطه عرصه‌های تکامل انسان و جامعه با انواع تکامل

براساس مطالب پیش گفته، تکامل از نظر موضوع تکامل (به تکامل جبری و اختیاری) و از نظر عوامل تکامل (به تکامل مکانیکی و دینامیکی) و از نظر نوع تکامل (به تکامل حقیقی و مجازی) تقسیم گردید به طوری که عرصه‌های کلان تکامل در سه دسته شامل: تکامل طبیعت، تکامل انسان و تکامل جامعه به دست آمد که این عرصه‌ها عبارتند از: عرصه‌های تکامل فردی (شامل تکامل جسمی، تغییرات جسمی در قیاس با سایر موجودات مادی، تکامل روحی و تغییرات سبک زندگی فردی در انطباق با مقتضیات زمانی - مکانی) و عرصه‌های تکامل اجتماعی (شامل تکامل فرهنگی هویتی و تکامل شئون تمدنی جامعه).

برای نمایش شیوه ارتباط عرصه‌های تکامل با تقسیمات تکامل می‌توان ماتریسی به شرح زیر داشت که در سطرهای آن، عرصه‌های تکامل انسانی و در ستون‌ها، تقسیمات سه‌گانه تکامل قرار گرفته است.

جدول ۴- ماتریس عرصه‌های تکامل در انسان و جامعه
و تعیین نوع، موضوع و عوامل تکامل در هر عرصه

از نظر نوع تکامل		از نظر عوامل تکامل		از نظر نوع تأثیر عوامل		تقسیمات تکامل
مجازی	حقیقی	مادی مکانیکی عوامل بیرونی	نفسی دینامیکی عوامل درونی	زیستی	انباری	عرصه‌های تکامل در انسان و جامعه
بر اساس نظریه انباشتگی	بر اساس نظریه حرکت جوهری	*		*		۱. تکامل زیستی ۲. تکامل فردی ۳. تکامل نوعی ۴. تکامل انواع
*		*		*		تغییرات زیستی در قیاس با سایر موجودات مادی
	*	عموم افراد	افراد خاص	*		تکامل روحی شامل ۱. تکامل روحی برگزیدگان ۲. تکامل روحی عموم مردم
*		*		*		تغییرات سبک زندگی فردی در انطباق با مقتضیات زمانی مکانی
بر اساس فردگرایی	بر اساس جامعه‌گرایی	*		*		تکامل فرهنگی هویتی
*		*		*		تکامل شئون تمدنی جامعه شامل: ۱. توسعه ابزار و صنعت ۲. تحول قوانین و نظامات اجتماعی ۳. تکامل فلسفه‌ها و قوانین علمی

تکامل انسانی فردی

تکامل انسانی اجتماعی

از آنجا که بررسی فرایند تکامل انسانی در عرصه‌هایی مورد نظر است که انسان بتواند در آن، دخل و تصرف کرده و روند تکاملی را تحت کنترل خود قرار دهد، لذا با توجه به تقسیم تکامل به اختیاری و جبری در ماتریس فوق، مواردی که به حکم جبر طبیعت، تکامل می‌یابند، از عرصه‌های تکامل انسانی حذف گردید.

همچنین تقسیم تکامل از منظر عوامل تکامل به نفسی و مادی که مربوط به تقسیم موجودات استکمالی به ناقص و مکتفی‌بذاته می‌گردید، حذف گردیده، به نوعی در بحث تکمیلی با عنوان «ارتباط تکامل حقیقی با ماورای طبیعت» گنجانده شده است. لذا جدول تعیین عرصه‌های کلان تکامل اختیاری انسانی به صورت زیر نهایی می‌گردد:

جدول ۵- جدول نهایی تعیین عرصه‌های کلان تکامل اختیاری- انسانی

از نظر نوع تکامل		تقسیمات تکامل اختیاری انسانی	
مجازی	حقیقی	عرصه‌های تکامل انسانی	
	*	تکامل روحی در افراد معمولی و در افراد خاص (مکتفی‌بالذات)	تکامل فردی انسان
*		تغییرات سبک زندگی فردی در انطباق با مقتضیات زمانی مکانی	
	*	تکامل فرهنگی هویتی	تکامل جامعه
*		تکامل شئون تمدنی جامعه	

۵- بسط چارچوب مفهومی تکامل (الهیات پیشرفت و اعتباریات آن)

با تبیین گستره مفهومی تکامل بر اساس عرصه‌ها و انواع آن، می‌توان چارچوب مفهومی را در محدوده انسانی ترسیم نمود لیکن برای تکمیل شدن بحث لازم است ارتباط این چارچوب با دوسویه مرتبط به انسان نیز مشخص شود؛ از یک سو با امور تکوینی فرا انسانی که شامل سنن و قوانین تکوینی هستی است و الهیات پیشرفت را شکل می‌دهد، مرتبط است و از سوی دیگر با امور اعتباری ساخته انسان که اعتبارات پیشرفت را شکل می‌دهد، در ارتباط است. در بسط چارچوب مفهومی تکامل، این دو عرصه از منظر استاد مطهری مورد بررسی قرار گرفته است:

الف- ارتباط تکامل حقیقی با ماورای طبیعت (عرصه‌های الهیات پیشرفت)

استاد مطهری، سوالی کلیدی درباره تکامل مطرح می‌کند: «آیا... بدون دخالت دادن ماوراءالطبیعه، اصلاً تکامل، قابل توجیه است یا قابل توجیه نیست» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

استاد، با الهام از مکتب صدرایی برای تبیین تکامل انسانی، از دو قاعده استفاده می‌کند: حرکت جوهری و بقای روحانی نفس. براساس قاعده اول، حرکت در جوهر ماده رخ می‌دهد و سمت و سوی آن هم ماورای ماده و طبیعت است و براساس قاعده دوم، نفس با آنکه از نظر ایجاد، مادی و در دامان طبیعت است لیکن از نظر بقا، معنوی و دارای جنبه‌ای روحانی است (جسمانیةالحدوث و روحانیةالبقا بودن نفس). این موضوع به صورت جزئی‌تر در مباحث پیشین و به طور مشخص، در بحث از ویژگی‌های تکامل^۱ و بحث از تکامل حقیقی طبیعت و انسان^۲ مطرح شد که بیش از این نیازی به بسط آن در جمع‌بندی نیست. علاوه بر این، در تقسیم تکامل بر حسب عوامل آن به تقسیم موجودات استکمالی به ناقص و مکتفی‌بذاته اشاره شد. در تکمیل آن مباحث، باید گفت که انسان مکتفی‌بذاته که مصادیق آن، انبیاء الهی هستند، واسطه اتصال انسان به جهان غیرمادی و در نتیجه واسطه تکامل معنوی (حقیقی) انسان‌ها می‌گردند و انسان و جامعه انسانی با شناخت راستین و پیروی از آنان می‌تواند خود را از مرزهای طبیعت رها کرده و با معنویت و ماورای طبیعت ارتباط برقرار نموده و نفس خود را کامل کند. از آنجا که هستی، دارای مراتب است و مراتب با هم مرتبط‌اند و ارتباطشان نظام‌مند است که نشان از حکمت و عدالت در هستی و نظام احسن آفرینش است، تکامل در دنیا منوط به ارتباط نظام‌مند با ماورای آن است و واسطه این ارتباط، افراد مکتفی‌بذاته هستند که پا در دنیا و سر در ماورای آن دارند. این ارتباط نظام‌مند در زبان قرآن و روایات اسلامی به «سنن الهی» تعبیر شده است. بحث سنن الهی در طبیعت و جامعه انسانی، از مباحث گستره‌دامن است که در مبانی تکامل در مباحث فلسفه تاریخ مطرح می‌گردد. تکامل حقیقی انسان، اگر در حدوثش پا روی زمین طبیعت و ماده دارد ولی در استمرارش نهایتاً سر در آسمان معنا و ماوراءالطبیعه دارد. تکامل انسان،

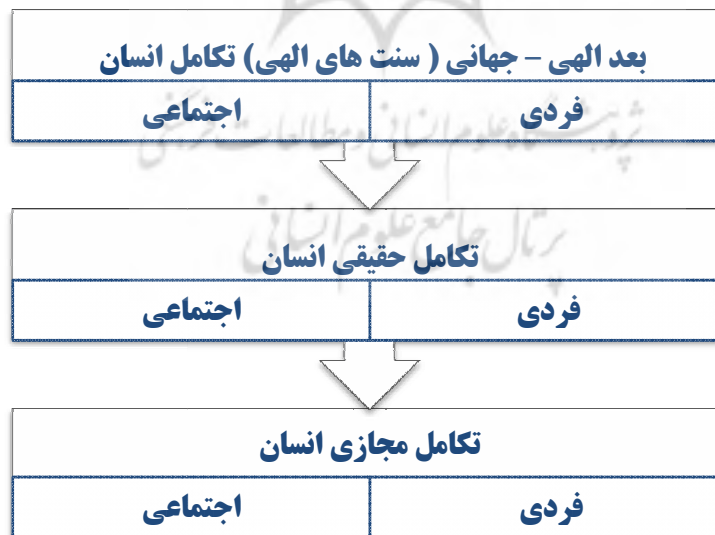
۱. مشخصاً موضوع پیوند تکامل با گذر از طبیعت در موجود مادی.

۲. موضوعاتی از قبیل رابطه تکامل با هدایت، تکامل طبیعت به ماوراء طبیعت و تکامل واقعی (روحانی) نفس انسان.

نیازمند یاری ماوراءالطبیعه است و این یاری در شکل سنن الهی در تکامل انسان و به راهنمایی و هدایت انسان‌های مکنتی‌بذاته بروز و ظهور می‌یابد. استاد، از این منظر به تأثیر بعد جهانی و الهی تاریخ بر تکامل انسان اشاره می‌کند و می‌نویسد: «تاریخ، از نظر قرآن سه بعد دارد: بعد نفسانی و فردی و یا اخلاقی، دیگر بعد اجتماعی، سوم بعد جهانی و الهی.... بعد جهانی، عبارت است از: عکس‌العمل‌های جهانی و الهی؛ «و لو أن اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض....». مقصود از بعد الهی و جهانی این است که جهان و گردش جهان نسبت به خوب و بد انسان، بی تفاوت نیست [بلکه]، عکس‌العمل دارد. قرآن کریم به این عکس‌العمل‌های خوب و بد که در یک تعبیر دیگر پاداش و کیفرهای دنیایی الهی است و به تعبیر دیگر مکافات طبیعت است، زیاد اشاره می‌کند. در سوره اعراف، آیات ۷۲، ۷۸، ۸۴، ۹۱ کاملاً این مطلب مشهود است» (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۸۷).

بر اساس مطالب پیش گفته، می‌توان نمودار زیر را در باب ارتباط تکامل انسان با ماورای طبیعت و بعد الهی تکامل تاریخ نشان داد:

نمودار ۱- تعیین عرصه‌های ماورای طبیعی تکامل انسانی و ارتباط آن با عرصه‌های حقیقی و مجازی تکامل انسان



ب- ارتباط تکامل مجازی با اعتبارات انسانی (عرصه‌های اعتباری پیشرفت)

درباره ابعاد اعتباری زندگی بشر، به‌ویژه در ناحیه ادراکات (ادراکات اعتباری) تحقیقاتی در میان فلاسفه شرقی و غربی انجام شده است که می‌توان ادعا کرد: وزین‌ترین نظریات متأخر در این زمینه - چه در جهان اسلام، چه در میان فلاسفه جهان - متعلق به علامه طباطبایی است. استاد مطهری، به تبع استاد خود علامه طباطبایی، ادراکات اعتباری را مطرح می‌کند. البته در مورد لوازم و برخی جنبه‌های این ادراکات با استاد خود قدری اختلاف نظر دارد. به طوری که «اصل وجود ادراکات اعتباری، مورد قبول مطهری است، ولی برخی نکات جنبی نظریه علامه مانند توسعه اعتبار کردن به حیوانات مورد اشکال است» (جوادی، ۱۳۸۲-۱۳۸۳: ۵۳-۶۸).

استاد، در رابطه با ادراکات اعتباری می‌نویسد: «ادراکات اعتباری در مقابل ادراکات حقیقی است. ادراکات حقیقی، انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس‌الامر است...؛ اما ادراکات اعتباری، فرض‌هایی است که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آنها را ساخته و جنبه وضعی و قراردادی و فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس‌الامر سر و کاری ندارد... ادراکات حقیقی، تابع احتیاجات طبیعی موجود زنده و عوامل مخصوص محیط زندگانی وی نیست و با تغییر احتیاجات طبیعی و عوامل محیط تغییر نمی‌کند و اما ادراکات اعتباری، تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط است و با تغییر آنها، تغییر می‌کند... ادراکات حقیقی، مطلق و دائم و ضروری است؛ ولی ادراکات اعتباری، نسبی و موقت و غیرضروری است» (مطهری، ۱۳۷۱: ۳۷۲).

استاد، در جایی دیگر می‌نویسد: «ما برای وصول به منظور و مقصودهای عملی خود در ظرف توهم خود، چیز دیگری را مصداق آن مفهوم فرض کرده‌ایم و آن مصداق جز در ظرف توهم ما مصداق آن مفهوم نیست و در حقیقت، این عمل یک نوع بسط و گسترش است که ذهن روی عوامل احساسی و دواعی حیاتی در مفهومات حقیقی می‌دهد» (همان).

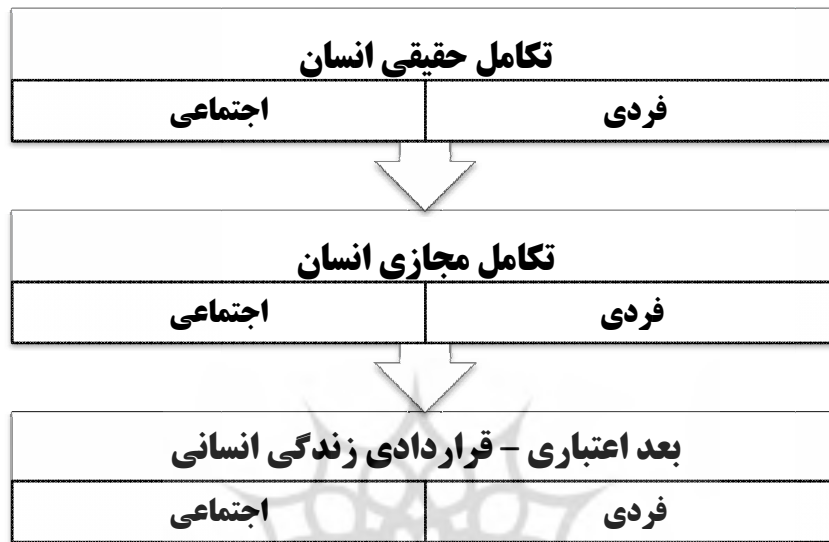
استاد مطهری، طرح نظریه اعتباریات را پاسخی برای این پرسش می‌داند که چگونه ممکن است ادراکات آدمی از محیط زندگی وی متأثر باشد. طبق این نظریه،

اعتباری بودن برخی از ادراکات، انعطاف لازم را برای تغییر و تبدل در آنها فراهم می‌آورد (همان).

بر این اساس، می‌توان برای زندگی انسان، بعدی اعتباری - قراردادی در نظر گرفت که در پرتو تکامل مجازی او در ابعاد فردی و اجتماعی ایجاد و توسعه می‌یابد و در عمل، منجر به تولید مفاهیمی اعتباری به‌عنوان ابزارهای نرم و مفهومی برای رفع نیازهای زندگی او می‌گردد. بنابراین، تفسیر ابعاد اعتباری زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده و ذیل تکامل مجازی او در توسعه مادی اجتماعی و در پرتو سبک زندگی او ایجاد، تغییر یا توسعه می‌یابد؛ البته این بعد اعتباری زندگی بشر، می‌تواند ذیل بعد حقیقی آن قرار گیرد و مانند ادراکات اعتباری، می‌تواند ناشی از ادراکات حقیقی باشد. چنان‌که استاد می‌نویسد: «هیچ یک از ادراکات اعتباری، عناصر جدید و مفهومات تازه‌ای در مقابل ادراکات حقیقی نیستند، بلکه حقیقت این است که هر یک از مفاهیم اعتباریه را که در نظر بگیریم، خواهیم دید بر روی حقیقتی استوار است؛ یعنی یک مصداق واقعی و نفس‌الامری دارد و نسبت به آن مصداق، حقیقت است و عارض شدن آن مفهوم برای ذهن از راه همان مصداق واقعی است؛ چیزی که هست» (همان). نکته‌ای که باقی می‌ماند آنکه انسان هر چه کامل‌تر باشد و با حقیقت و ماورای ماده ارتباط کامل‌تری داشته باشد، در اعتبار کردن مفاهیم موفق‌تر است؛ همچنین اعتبار کردن مفاهیم، منوط به شناخت غایات حقیقی‌ای است که انسان در مسیر آن با ابزار اعتباریات حرکت می‌کند. لذا برای شناخت غایات حقیقی نیز انسان، هر چه کامل‌تر و متصل به ماوراء ماده باشد، بهتر می‌تواند در شناخت مسیر و اعتبار کردن ابزار مناسب توفیق یابد. بنابراین، پیامبران به‌عنوان افراد مکنتی‌بذاته، بهترین اعتبار کنندگان مفاهیم مورد نیاز زندگی بشر هستند. علاوه بر اینکه ارتباط آنها با غیب، ارتباطی نظام‌مند در پرتو وحی بوده و آنان جز حقیقت ندیده و انتقال نمی‌دهند، لذا وحی و پیامبران از مطمئن‌ترین مجاری اعتبار مفاهیم مورد نیاز برای پیشبرد اهداف زندگی انسان است.

براساس مطالب بالا، نمودار شماره ۲ نحوه ارتباط ابعاد اعتباری زندگی انسانی با تکامل مجازی و حقیقی را نشان می‌دهد.

نمودار ۲- نحوه ارتباط ابعاد اعتباری زندگی انسانی با تکامل مجازی و حقیقی تکامل انسان



۶- نتیجه گیری

هدف از این بررسی - چنانچه در ابتدا نیز گفته شد - ترسیم چارچوب نظریه پیشرفت و تکامل به عنوان مدلی است که انواع پیشرفت در آن جای گرفته و قابلیت ارتباط میان انواع تکامل و پیشرفت را داشته باشد. از آنجا که این بررسی با تأکید بر آراء استاد مطهری است، ابتدا کلیدواژه تکامل از منظر استاد مطهری از زوایای مفهومی و وجودی مورد شناسایی قرار گرفت. سپس انواع تکامل بررسی شد و در ادامه، دو بعد تأثیر ماوراءالطبیعه بر تکامل اجتماعی و تأثیر تکامل اجتماعی بر اعتبارات به عنوان تکمله، مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت، با تلفیق ماتریس نهایی در این دو بعد، چارچوب مفهومی تکامل در شش عرصه: الهی، روحی، جسمی، فرهنگی، تمدنی و قراردادی تفکیک شد. نمودار زیر می تواند گویای ارتباط این شش عرصه با هم باشد لیکن برای تکمیل این بحث لازم است نحوه ارتباط هر بعد با سایر ابعاد بررسی و ارتباطات اصلی و فرعی و نیز وزن تأثیر و تأثر ابعاد مشخص و مدل ارائه شده، کامل گردد.

نمودار ۳- ابعاد و عرصه‌ها و انواع تکامل انسانی و جایگاه هر کدام



منابع

۱. اصغری، محمود (۱۳۸۵)، «مبانی دین و توسعه در اندیشه استاد مطهری»، دوماهنامه اندیشه حوزه، سال دوازدهم، فروردین و اردیبهشت.
۲. جوادی، محسن (۱۳۸۲-۱۳۸۳)، «توجیه جاودانگی اصول اخلاقی بر مبنای نظریه اعتباریات از دیدگاه استاد مطهری»، فصلنامه قیاسات، ش ۳۰ و ۳۱، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. حداد عادل، غلامعلی و همکاران (۱۳۸۳)، دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳)، الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید، قم: نشر بیدار.
۵. خمینی (موسوی)، امام روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۲۰، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. سمیعی ظفرقندی، نصرت... (۱۳۷۰)، تغییرات اجتماعی در دیدگاه دو تن از متفکران مسلمان در ۱۰۰ ساله اخیر استاد مطهری و علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۷. شالیکار، ابراهیم (۱۳۸۴)، بررسی مقایسه‌ای توسعه از دیدگاه اسلام گرایان ایرانی استاد مطهری و شریعتی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، مجلدات ۱-۲-۵-۱۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. لک‌زایی، شریف (۱۳۸۱)، «دگرگونی اجتماعی در اندیشه آیت الله مطهری»، قم: نشریه پگاه حوزه، ش ۴۶.
۱۰. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ه.ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱ و ۱۰، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، ج ۶ (جلد دوم از بخش فلسفه با عنوان اصول فلسفه و روش رئالیسم)، تهران: صدرا.
۱۲. _____ (۱۳۷۲- الف)، مجموعه آثار، ج ۲ (جلد دوم از بخش اصول عقاید با عنوان مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی)، تهران: صدرا.
۱۳. _____ (۱۳۷۲- ب)، مجموعه آثار، ج ۳ (جلد سوم از بخش اصول عقاید با عناوین کلام، ختم نبوت، پیامبر امی و...)، تهران: صدرا.
۱۴. _____ (۱۳۷۲- ج)، مجموعه آثار، ج ۷ (جلد سوم از بخش فلسفه با عنوان فلسفه ابن سینا-۱)، تهران: صدرا.
۱۵. _____ (۱۳۷۶)، مجموعه آثار، ج ۱۰ (جلد ششم از بخش فلسفه با عنوان شرح مبسوط منظومه -۲)، تهران: صدرا.
۱۶. _____ (۱۳۷۷- الف)، مجموعه آثار، ج ۱ (عدل الهی، انسان و سرنوشت، علل گرایش به مادیگری)، تهران: صدرا
۱۷. _____ (۱۳۷۷- ب)، مجموعه آثار، ج ۹ (جلد پنجم از بخش فلسفه با عنوان شرح مبسوط منظومه -۱)، تهران: صدرا.
۱۸. _____ (۱۳۷۷- ج)، مجموعه آثار، ج ۱۳ (جلد هفتم از بخش فلسفه با عنوان مقالات فلسفی، مسأله شناخت و نقدی بر مارکسیسم)، تهران: صدرا.
۱۹. _____ (۱۳۷۸)، مجموعه آثار، ج ۴ (جلد چهارم از بخش اصول عقاید با عناوین توحید، نبوت، اصل عدل در اسلام، امامت و رهبری، معاد)، تهران: صدرا.
۲۰. _____ (۱۳۷۹- الف)، مجموعه آثار، ج ۸ (جلد چهارم از بخش فلسفه با عنوان فلسفه ابن سینا-۲)، تهران: صدرا.
۲۱. _____ (۱۳۷۹- ب)، مجموعه آثار، ج ۱۹ (جلد اول از بخش فقه و حقوق با عناوین نظام حقوق زن در اسلام، مسأله حجاب و...)، تهران: صدرا.
۲۲. _____ (۱۳۷۹- ج)، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱ (حرف الف)، تهران: صدرا.
۲۳. _____ (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، ج ۲۱ (جلد سوم از بخش فقه و حقوق با عناوین اسلام و نیازهای زمان -۱ و ۲، اسلام و نیازهای جهان امروز، قوانین اسلام در مقایسه با توسعه و تحول دنیای جدید)، تهران: صدرا.

۲۴. _____ (۱۳۸۴- الف)، مجموعه آثار، ج ۱۱ (جلد هفتم از بخش فلسفه با عنوان درس های اسفار - مبحث حرکت)، تهران: صدرا.
۲۵. _____ (۱۳۸۴- ب)، مجموعه آثار، ج ۱۵ (جلد دوم از بخش تاریخ با عنوان فلسفه تاریخ)، تهران: صدرا.
۲۶. _____ (۱۳۸۹)، یادداشت های استاد مطهری، ج ۱۰ (جلد سوم از بخش موضوعی با موضوعات تکامل، تکامل اجتماعی انسان در تاریخ، جامعه و تاریخ)، تهران: صدرا.
۲۷. _____ (۱۳۹۰- الف)، مجموعه آثار، ج ۲۵ (جلد اول از بخش اجتماعی - سیاسی با عناوین الغدیر و وحدت اسلامی، حج، نهضت آزادی بخش اسلام، مسأله نفاق و... تکامل اجتماعی انسان در تاریخ و...)، تهران: صدرا.
۲۸. _____ (۱۳۹۰- ب)، مجموعه آثار، ج ۲۶ (جلد اول تفسیر قرآن)، تهران: صدرا.
۲۹. موثقی، سیداحمد (۱۳۸۳)، «سیر تحول مفهومی توسعه»، نشریه حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۳، دانشگاه تهران.
30. Esteva, Gustavo (1992), "Development", in Sachs, Wolfgang (ed), The Develope Dictionary, London.